



مرکز آموزش‌های تخصصی تبلیغ

جلوه‌هایی از هجرت‌های علما

مهاجرت‌های شهید سید مجتبی

نواب صفوی

در سال ۱۳۰۳ «شمسی» کودکی دیده به جهان گشود که سید مجتبی نام گرفت، او از همان کودکی با جدیت به حفظ قرآن پرداخت و در سن هفت سالگی راهی مکتبخانه گردید. پس از اتمام دوره، وارد مدرسه «آلمانی‌ها» شده به فراگیری دروس متداول آنجا پرداخت.

سید مجتبی به مباحث اسلامی علاقه وافری داشت و شیفته دروس حوزوی بود. او در عصری زندگی می‌کرد که نظام آموزشی غرب، در کشور ایران به عنوان سنبل پیشرفت

معرفی شده بود و می‌رفت تا ساختار فکری نسل جدید را دست خوش تحولی بسیار ناپسند نماید.

سید همزمان با فراگیری دروس جدید، درس‌های حوزه را نیز می‌خواند و پس از اتمام تحصیلات خود وارد شرکت نفت شد، ولی همچنان علاقه‌اش به معارف اسلامی آرام و قرار را از او گرفته بود.

بیش از شش ماه از ورود او به شرکت نفت نگذشته بود که در اثر حمله یک انگلیسی به یک کارگر ایرانی و مجروح شدن او، کارگران جلسه‌ای ترتیب داده و سید در جمع آنان به ایراد سخنرانی پرداخت و

تحصیل بود، کتابی به دستش رسید که در آن به وجود مقدس صادق آل محمد علیهم السلام توهین شده بود، سید که از این حرکت سخت آشفته شده بود، کتاب را به چند تن از اساتید و مراجع عالیقدر نجف عرضه کرد تا اینکه حضرت آیت الله حاج آقا حسین قمی با صراحت حکم ارتداد نویسنده کتاب را صادر نمود.

آغاز هجرت

مقابله با حرکت‌های ضد دینی برای بیداری مسلمانان را سید از جد بزرگوارش امام حسین علیه السلام به ارث برده بود. به حکم و وظیفه شرعی، با تصمیمی قاطع در حالی که در گرماگرم درس و بحث بود رو به وطن خویش نمود، زیرا برای مجاهدی همچون نواب، وظیفه و رسالت الهی مهمترین چیزی بود که تکلیف او را معین می‌کرد.

آثار و برکات سیاسی فرهنگی

هجرت سید

الف - فرهنگی

شهید نواب به محض ورود به ایران، وظیفه اخلاقی خود دید که ابتدا با نویسنده کتاب مذکور دیداری داشته باشد تا شاید بتواند او را ارشاد کند،

باعث تحریک کارگران و شورش آنان بر علیه انگلیسی‌ها شد، تا جایی که کارگران به محل اقامت آن فرد هجوم برده و آن جا را خراب کردند. به دنبال این حرکت، پلیس به مقابله با شورش برخاسته و عده‌ای را دستگیر نمود.

سید قبل از دستگیر شدن فرصت را مناسب دیده، برای کسب فیض از محضر علماء بزرگوار راهی نجف اشرف شد. این اولین حرکت وی برای رسیدن به اهداف عالی‌اش بود تا در کنار اولین مظلوم عالم، قصه مظلومیت میلیون‌ها انسان در بند ظلم و ستم را باز گوید و از آن حضرت استمداد جوید. سید مجاهد در شهر نجف که با صدها سال سابقه، کانون اندیشه‌های علوی بوده است وارد مدرسه «قوم» شد و به تحصیل و فراگیری علوم اسلامی پرداخت.

او که به سرچشمه معارف رسیده بود و سینه‌گشاده‌اش آمادگی زیادی برای کسب دانش داشت از محضر عالمان بزرگی همچون علامه امینی صاحب کتاب ارزشمند «الغدیر» کسب فیض نمود.

در ایامی که وی سخت مشغول به

اعلامیه‌ای، «فدائیان اسلام» موجودیت خود را به رهبری آن سید بزرگوار اعلام کرد و پس از مدتی «کسروی» توسط چهار تن از افراد این شجره طیبه به هلاکت رسید.

ب - سیاسی

نواب صفوی به عنوان فردی فعال، یکی از موثرترین عناصر در جریان ملی شدن صنعت نفت بود و زمانی که آیت الله کاشانی تبعید شده بود مقدمات بازگشت ایشان را فراهم کرد و بر خلاف مصدق بر روابط استعمارگرایانه با امریکا خط بطلان کشید.

یازدهم شهریور ماه ۱۳۳۲ شمسی مجاهد نستوه به سوی بغداد سفر کرد و از آن جا به بیروت، سپس به بیت المقدس هجرت نمود و در اولین جلسه کنگره عظیم اسلامی با نطق‌های حماسی خویش به زبان عربی فریاد بیداری و مظلومیت مسلمانان آزاده را سر داد.

پس از پایان آن کنگره، نماینده جمعیت «اخوان المسلمین» مصر با وی آشنا شده، شیفته او گردید و از نواب صفوی دعوت نمود تا به سفر

زیرا این اهانت به قلم فردی صورت گرفته بود که «احمد کسروی» نام داشت و مدتی را در لباس دین گذرانیده بود. ولی متأسفانه تلاش سید مجتبی در این جهت بی ثمر ماند.

سید که توهین به مقدسات را نمی‌توانست تحمل کند و می‌بایست به هر قیمتی جلوی این نقشه‌های شیطانی را سد نماید، ناچار شد با برنامه‌ای دیگر دست به مبارزه علنی زده و برای تهیه اسلحه از بعضی از علماء پول تهیه کند.

روز بیست و سوم اردیبهشت سال ۱۳۲۴ کسروی را با شلیک گلوله‌های غیرت و غضب خویش هدف قرار داد ولی با عدم موفقیت روبرو شده، با دخالت پلیس به زندان افتاد. علماء نجف و ایران خواستار آزادی ایشان شدند که پس از دو ماه با قید کفالت آزاد شد.

پس از آزادی از زندان جهت پیشبرد اهداف عالی خود چاره را در ترتیب تشکیلاتی دید تا بتواند آرمان‌های پاک و الهی را تحقق بخشد. او در این راستا دست به ایجاد «گروه فدائیان اسلام» زد و با انتشار

داشتند.

چهارم دی ماه ۱۳۳۴ در حالی که نواب صفوی در چنگال ناپاک ظلم و ستم فریاد آزادی سر می داد اولین دادگاه وی تشکیل شد و در نهایت رأی دادگاه بر اعدام او و سه تن از بهترین همزمانش صادر گردید و در نیمه شب بیست و هفتم دیماه مطابق با سوم جمادی الثانی در سالگرد شهادت مظلومانه مادرش فاطمه زهرا علیها السلام با تیرهای کینه دژخیمان ستمگر مرغ روحش به ملکوت اعلی پرواز کرد.*

پی نوشت:

* - برای تدوین مجموعه «جلوه‌هایی از هجرت‌های علما» از منابع زیر استفاده شده است:

قران کریم؛ المراجعات، شرف الدین عاملی؛
روضات الجنان، میرزا محمد باقر موسوی خوانساری؛
اعیان الشیعه،

سید محسن امین؛ مجله نامه فرهنگ، شماره ۹؛
علامه امینی مصلح نستوه، سید علیرضا سید کباری؛
شرف الدین عاملی چاووش وحدت، مصطفی قلیزاده؛
نواب صفوی سفیر سحر، سید علیرضا سید کباری؛ سید
عبدالحسین لاری پیشوای تنگستان، سید علیرضا سید
کباری؛ محقق ثانی مقتدای شیعه، محمد جوان پیچان؛
شیخ طوسی خورشید ابرار، علیرضا شهروی؛ شیخ
عبدالکریم حائری نگهبان بیدار، سعید عباس زاده.

خویش ادامه دهد و از مصر دیدن نماید. اما عدم امکانات مالی این سفر را به تعویق انداخت و سید ناچار شد به عراق برگردد و داستان دعوت را با استاد خویش در میان بگذارد. استاد زمینه سفر را آماده کرده، نواب را به مصر اعزام نمود که با استقبال پرشور مردم و جمعیت «اخوان المسلمین» مواجه گشت.

مدتی نگذشت که دولت مصر جمعیت «اخوان المسلمین» را منحل اعلام نموده، حکم اخراج این سید مبارز را صادر کرد. او طی ملاقات‌هایی که با «نجیب» و «جمال عبدالناصر» داشت موقعت آن جمعیت را در جهت تحکیم دولت انقلابی مصر یادآور شد اما ثمری نبخشید.

پس از بازگشت به ایران در تاریخ اول آذرماه ۱۳۳۴ توسط مأمورین امنیتی دستگیر و راهی زندان شد، همزمان با این اتفاق آیت الله کاشانی نیز تحت فشار قرار گرفته، در وضعیت نابسامانی به سر می برد، پس از این برخورد نظام سرسپرده بود که اکثر علماء از جمله حضرت امام علیه السلام هر کدام به نوعی مخالفت خویش را ابراز